



بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) - 13 / خرداد / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند مبارك كند اين عيد سعيد را، اين ولادت بزرگ را، اين روز فرخنده‌ی تاريخ اسلام را بر شما برادران و خواهران عزيز، ذاکران، مداحان، گویندگان، یادآوران مناقب فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و بر همه‌ی ملت ایران. خدا را با همه‌ی وجود شکر و سپاس می‌گزاریم که این دلهای پر محبت را و این محبت‌های جوشان را مانند ذخیره‌ای برای ملت ما و برای سعادت ما و برای آبروی ما به ما عنایت کرده است.

اگر محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و عشق جوشان به این عناصر الهی و ربانی نمی‌بود، مسلماً جریان شیعه با همه‌ی معارف مستحکم آن، در طول زمان و تاریخ، در میان این همه دشمنی باقی نمی‌ماند. این عواطف را، این شور محبت را نباید دست کم گرفت. یقیناً منطق در به کرسی نشاندن سخن حق تأثیر زیادی دارد و بدون پشتیبانی منطق و حکمت، هیچ حقی را نمی‌شود بر پا نگه داشت؛ اما گسترش گرایش به حق، بقای این حق ماندگار در طول تاریخ اسلام، جز با محبت، با مودت، با پیوند قلبی و عاطفی، امکان‌پذیر نبود. لذا شما ملاحظه کنید؛ از اول اسلام تا امروز، پیوند فکری و عقلانی همراه بوده است با پیوند عاطفی و قلبی.

اگر در تاریخ ملاحظه می‌کنید که وقتی پیغمبر اکرم در ایام فتح مکه - یعنی هشت سال بعد از هجرت پیغمبر - هنگامی که وضو می‌گرفت، اصحاب آن بزرگوار سبقت می‌جستند برای اینکه آب وضویی را که از صورت مبارك آن بزرگوار جاری میشد، بگیرند و به عنوان تبرک بر سر و روی خود بکشند، این همان پیوند عاطفی است؛ این فرق دارد با خضوع قلبی و ایمان به معارف نبوی؛ این یک چیز دیگر است؛ این همان چیزی است که یک دشمن عنود مثل ابی‌سفیان را متحیر و متعجب کرد. او این منظره را دید و گفت: من قدرتها و حکومتها و سلطنتهای زیادی را دیدم، اما هیچ قدرتی را ندیدم که اینجور در دلهای مردم نفوذ کند؛ آنچنانی که امروز قدرت اسلام را می‌بینم. این، ارتباط قلبی و عاطفی است؛ این را باید حفظ کرد.

فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری (سلام الله علیها)، بزرگترین بانوی تاریخ بشر، افتخار اسلام، افتخار این دین و افتخار این امت است. مقام فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) از جمله‌ی آن مقاماتی است که تصور آن برای انسانهای معمولی، انسانهای متعارف - امثال ماها - یا ممکن نیست، یا دشوار است؛ معصوم است دیگر. نه به حسب مسئولیت رسمی، پیغمبر است؛ نه به حسب مسئولیت رسمی، امام و جانشین پیغمبر است؛ اما در رتبه، در حد پیغمبر و امام است. ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) نام مبارك فاطمه‌ی زهرا را با عظمت و با تجلیل می‌بردند؛ از معارف صحیفه‌ی فاطمی نقل می‌کردند؛ اینها چیزهای بسیار عظیمی است. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این است. آنچه در زندگی ظاهری آن بزرگوار وجود دارد، از یک سو علم و حکمت و معرفت است، که حتی در خطبه‌ای مثل خطبه‌ی فدکیه‌ی معروف آن بزرگوار که هم شیعه آن را نقل کرده است، هم اهل سنت لااقل بعضی از فقرات آن را نقل کرده‌اند - بعضی هم همه‌ی آن خطبه را نقل کرده‌اند - وقتی نگاه می‌کنید در حمد و ثنای این خطبه، در مقدمات این خطبه، می‌بینید یکپارچه حکمت و معرفت از زبان دربار آن بزرگوار در فضا منتشر شده و امروز بحمدالله برای ما باقی مانده - در آنچنان موقعیتی که بحث تعلیم نبود، خطاب مربوط به علم و معرفت نبود؛ در واقع یک محاجه‌ی سیاسی بود - در عالی‌ترین سطحی که برای ما قابل درک است، در این خطبه‌ی مبارکه، معارف الهی و معارف اسلامی ذکر شده است؛ از سوی دیگر، زندگی آن بزرگوار مشحون است به مجاهدت؛ مثل یک سرباز فداکار در عرصه‌های مختلف، این بزرگوار حضور فعال و مؤثر دارد. از دوران کودکی در مکه، در شعب ابی‌طالب، در کمک‌رسانی و روحیه‌دهی به پدر بزرگوارش، تا همراهی با امیرالمؤمنین در مراحل دشوار زندگی در مدینه، در آن جنگها، در آن غربتها، در میان آن تهدیدها، در آن سختی زندگی مادی و فشارهای گوناگون، و همچنین در دوران محنت آن بزرگوار - یعنی بعد از



رحلت پیغمبر - چه در مسجد مدینه، چه در بستر بیماری، در همه‌ی این مراحل، این بزرگوار مشغول فعالیت است، مشغول تلاش است؛ یک حکیم مجاهد، یک عارف مجاهد. همچنین از لحاظ وظائف زنانگی، وظیفه‌ی همسری، وظیفه‌ی مادری، تربیت فرزند، پذیرائی و مهربانی با شوهر، یک زن نمونه است. آنچه که در خطاب به امیرالمؤمنین از این بزرگوار نقل میشود، تعبیری که میکند، خشوع و خضوعی که نشان میدهد، اطاعت و تسلیمی که در مقابل امیرالمؤمنین دارد، بعد تربیت این فرزندان، فرزندی مثل امام حسن، فرزندی مثل امام حسین، فرزندی مثل زینب، آیت عظمی و اعلا‌ی یک زن نمونه است در وظائف زنانه، تربیت زنانه، محبت زنانه؛ و همه‌ی این مجموعه‌ی ذی‌قیمت و بی‌نظیر، در یک عمر هجده ساله. یک دختر جوان هجده نوزده ساله، با این همه مقامات معنوی و اخلاقی و سجایای رفتاری، وجود یک چنین عنصری، یک چنین موجودی در هر جامعه‌ای، در هر تاریخی، در هر ملتی که باشد، مایه‌ی افتخار است؛ و دیگر نداریم نظیر این بزرگوار را. دانستن این معارف، انسان را با سجایای آن بزرگوار آشنا میکند؛ اما بدون پیوند عاطفی، بدون محبت، بدون آن آتش شور و شوقی که اشکها را از چشم انسان جاری میکند - چه در وقتی که انسان مصیبت او را میشوند، چه در وقتی که منقبت او را میشوند - انسان به نتیجه نمیرسد؛ این یک چیز دیگر است؛ این همان پیوند عاطفی و معنوی و روحی است؛ این را باید حفظ کرد.

از اول تاریخ تشیع تا امروز، یک عنصر اصلی و اساسی در تشیع و جریان تشیع، همین جریان عاطفی است؛ البته عاطفه‌ی متکی به منطق، عاطفه‌ی متکی به حقیقت، نه عاطفه‌ی پوچ. لذا شما در قرآن هم ملاحظه میکنید که اجر رسالت، محبت و مودت در قربی است؛ «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی». (1) این خیلی نکته‌ی مهمی است که باید به آن توجه داشت. خدشه‌دار کردن این محبت به هر شکلی و به هر صورتی، خیانت به جریان عظیم محبت اهل‌بیت و پیروی اهل‌بیت است. این محبت را باید حفظ کنید. لذا شما می‌بینید در دوران ائمه (علیهم‌السلام) این همه محدثین، این همه شاگردان آگاه و فقه‌های بزرگ در خدمت امام صادق (علیه‌السلام)، امام باقر (علیه‌السلام) و ائمه‌ی دیگر بودند، معارف را نقل کردند، احکام را نقل کردند، شرایع را نقل کردند، اخلاقیات را نقل کردند، شنیدند و نقل و ثبت کردند؛ اما در کنار همه‌ی اینها، باز وقتی انسان درست نگاه میکند، می‌بیند نگاه به دعبل خزاعی است، نگاه به سید حمیری است، نگاه به کمیت بن زید اسدی است. در حالی که امثال زراره و محمدبن مسلم و بزرگانی از این قبیل در دستگاه ائمه (علیهم‌السلام) هستند، اما امام رضا (علیه‌السلام) دعبل را مینوازد؛ امام صادق (علیه‌الصلاة و السلام) سید حمیری را مورد توجه و محبت قرار میدهد؛ این به خاطر این است که آن جنبه‌ی ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز، در شعر شاعران، مدح مادحان و ذکر ذاکران، به نحو اتمّ و اوفی وجود دارد، اما در دیگر جاها وجود ندارد؛ یا اگر هست، ضعیف است؛ یا اینجوری بگوئیم، تأثیرگذاری آن ضعیف است. شعر، مدح، ذکر، این نقش را در تاریخ تشیع دارد.

خوب، امروز شما اکثر افرادی که در این جلسه حضور دارید، مادحان و ذاکران و ستایشگران اهل‌بیت هستید؛ پس این مرتبه‌ی بالائی است. قصد من این نیست که شما را برای این حرفه‌ای که در پیش گرفتید یا مسئولیتی که بر دوش گرفتید - که یقیناً با محبت و عشق همراه است - تثبیت کنم؛ خوب، این تحصیل حاصل است؛ شما در این مسیر با میل و اراده و علاقه‌ی خودتان وارد شدید و ان‌شاءالله مشمول توجهات و ثواب الهی و توجه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هم قرار دارید؛ اما مقصود من این است که این جریان را درست بشناسیم و آنچنان که مورد توجه ائمه (علیهم‌السلام) است، از آن بهره‌برداری کنیم. من میخواهم این را عرض بکنم به شما برادران عزیز که ذاکر اهل‌بیت هستید و در سلسله‌ی مداحان و جامعه‌ی مداحان و ذاکران اهل‌بیت قرار دارید. این کار، کار شریفی است؛ کار ارزشمندی است؛ در بقای تشیع، در حفظ ایمان شیعی و معرفت شیعی و پیروی از اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نقش‌آفرین است؛ این را قدر بدانید.

جلسه‌ی ما بیست و چند سال است که هر سال در این روز تشکیل میشود. درباره‌ی مداحی و مداحان حرفهای زیادی



گفته شده، ما هم عرض کردیم - البته کارهای خوب، پیشرفتهای خوب، جلوه‌های خوب هم انسان مشاهده میکند - ولی من میخواهم بگویم این ظرفیت موجود، خیلی ظرفیت عظیمی است. شاید این حرف را من خطاب به دوستانی که در این جلسه سالانه شرکت کردند، بارها گفته باشم؛ گاهی یک بیت شعری که شما میخوانید، از یک ساعت بحث مستدل یک گوینده‌ی ماهر تأثیرش در دلها بیشتر است. خوب، این خیلی ظرفیت بزرگی است؛ از این ظرفیت باید خوب استفاده کرد. میتوان با این امکان، با این ظرفیت عظیم، معارف اهل بیت را به کمک جنبه‌های عاطفی تا اعماق دل مردم چهارگوشه‌ی این کشور برد و آن را تعمیق بخشید؛ این چیز کمی نیست. ما امروز به این احتیاج داریم؛ همیشه احتیاج داریم. ما احتیاج داریم که ایمانهایمان مستحکم بشود، پایه‌های روشن پیدا کند، ثبات و ماندگاری پیدا کند، امواج گوناگون تبلیغات دشمن ما را تکان ندهد؛ ما همیشه به این احتیاج داریم. امروز دشمنان حقیقت، دشمنان اسلام، دشمنان معرفت اهل بیت (علیهم‌السلام) با ابزارهای کارآمد وارد میدان شده‌اند؛ امروز مسلح‌تر از همیشه‌اند؛ انواع و اقسام شیوه‌ها را به کار میگیرند تا این جامعه‌ای را که امروز به حق قیام کرده است و دنیای اسلام را متوجه خود کرده و پنجه‌های پلید استکبار را تضعیف کرده - یعنی جامعه‌ی جمهوری اسلامی، جامعه‌ی ایران اسلامی - تضعیف کنند، توانائی‌اش را کم کنند، آبرویش را در نزد ملت‌های مسلمان، در نزد امت اسلامی از بین ببرند؛ دنبال این چیزهایند.

شما ملت ایران در این سی سال خیلی کارهای بزرگی انجام دادید. دشمنان ملت ایران، دشمنان گردن کلفتی هستند. همه‌ی زورگوها، همه‌ی چپاولگرها، همه‌ی سرمایه‌دارهای بزرگ، همه‌ی باندهای قدرت، همه‌ی مافیاهای ثروت و پول، در مقابل شما هستند. شما راه اینها را زدید، برای اینها مشکل درست کردید. ملت ایران در این سی سال خیلی اثرگذار حرکت کرده. این دشمنی‌هایی که میکنند، این بغضی که نسبت به ملت ایران میورزند، بیخود نیست. شما اگر راه این دزدی‌ها را سخت و دشوار نمیکردید، برای تسلط و سیطره‌ی استکبار مشکل درست نمیکردید، اینقدر با شما دشمنی نمیکردند. این دشمنها امروز درصدد این هستند که ملت ایران را از محتوای برانگیزاننده‌ی آن - که همین ایمان روشن مستدل باشد - خالی کنند. انواع شیوه‌ها را به کار میبرند؛ ترویج‌های باطل میکنند، سرگرمی درست میکنند، سرگرمی‌های فکری درست میکنند، سرگرمی‌های شهوانی درست میکنند، سرگرمی‌های سیاسی درست میکنند، فتنه درست میکنند؛ اینها همه یک سیاست است. خوب، در مقابل اینها چه کار باید کرد؟ باید این ایمان را که مایه‌ی قیام و ایستادگی و ثبات ملت ایران است، تقویت کرد.

یکی از عواملی که میتواند این کار بزرگ را انجام دهد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هرچه بیشتر محبت اهل بیت در دلها و در روحهای انسانهاست؛ این مسئولیتی است که امروز همه‌ی ما داریم؛ مداحان هم بخشی از این مسئولیت را دارند، که بخش مهمی هم هست. با این چشم نگاه کنید به حرفه‌ی مداحی. وقتی آنجا می‌ایستید برای خواندن، احساس کنید که به عنوان یک مبلغ دین، به عنوان یک پیام‌آور حقائق دینی، در اثرگذارترین شکل، آنجا ایستاده‌اید. اگر این احساس وجود داشت، آن وقت انتخاب شعر محدودیت پیدا میکند، کیفیت ادا محدودیت پیدا میکند، انسانهایی که میخواهند این مسئولیت را انجام بدهند، محدودیت پیدا میکنند؛ چاره‌ای هم نیست. این کار را خود شما باید بکنید؛ کار خود مداحهاست. امروز اگر چنانچه بپرسند: «آقا حرفه‌ی مداحی به چی احتیاج دارد؟»، «یکی بخواهد مداح بشود، از امروز شروع کند، چه چیزی نیاز دارد؟»، دو سه چیز را میشمارید دیگر؛ میگوئید باید صدایش خوب باشد، حافظه‌ی خوبی داشته باشد، بتواند شعر یاد بگیرد؛ البته روح هم داشته باشد. یک انسانی با داشتن حافظه‌ی خوب و صدای خوش، میتواند بشود یک مداح. به نظر ما این کافی نیست. شما به مداحی به چشم یک معلم نگاه کنید که میخواهد چیزی را به مستمع خود تعلیم بدهد. همه‌ی شماها این صلاحیت را دارید. هیچ کس را از این دایره نباید بیرون کرد. هر که شوق این کار را دارد، بسم‌الله، خیلی خوب است؛ اما صلاحیتش را در خودش به وجود بیاورد.



شعری که میخوانید، شعر معرفت باشد، شعر آموزنده باشد؛ چه درباره‌ی مسائل روز - مثل بعضی از شعرهایی که امروز بعضی از آقایان خواندند، که ناظر به حوادث روز جامعه بود؛ این خیلی با ارزش است، آگاهی‌بخش است - چه حتی آن چیزی که این هم در آن نباشد؛ اما فرض بفرمائید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را که میخواهید معرفی کنید، آنچنان معرفی کنید که یک انسان مسلمان، یک زن مسلمان، یک جوان مسلمان از آن زندگی درس بگیرد؛ در دل خود نسبت به آن مجسمه‌ی قداست و طهارت و حکمت و معنویت و جهاد، احساس خشوع و خضوع و وابستگی کند. این، طبیعت انسان است. ما انسانها تابع و متمایل به کمالیم. اگر بتوانیم کمال را در خودمان ایجاد کنیم، میکنیم؛ اگر نه، آن کسی که صاحب کمال است، به طور طبیعی انسان به او گرایش دارد. این کمال را در فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، در امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام)، در ائمه‌ی اطهار (علیهم افضل الصلوات والسلام) برای شنونده تشریح کنیم و شنونده‌ی ما در قالب شعر، در قالب کلام موزون، و بخصوص در قالب صدای خوش و آهنگ درست و خوب، این معرفت را مثل آب زلالی که مینوشد، بنوشد و به همه‌ی اجزای بدن او برسد. این کار از خیلی از گویندگان برنمی‌آید، از خیلی از هنرمندان برنمی‌آید، از معلمین برنمی‌آید؛ اما از شما برمی‌آید، اگر این کار را انجام بدهید.

من بارها توصیه کرده‌ام، باز هم توصیه میکنم؛ منبرتان را، مجلستان را تقسیم کنید به دو قسم: قسم اول، معارف و اخلاقیات. ما امروز به اخلاقیات احتیاج داریم، به معارف احتیاج داریم. امروز احتیاج داریم که نسل موجود ما، نسل جوان ما، با امید، با نشاط، با خوشبینی به آینده، با ایمان به خدا، با پیوستگی قلبی به اهل بیت بار بیاید. ما احتیاج داریم که جوان ما امروز افتخار کند به اینکه متعلق به ایران اسلامی است؛ افتخار کند به وجود امام؛ افتخار کند به جمهوری اسلامی؛ افتخار کند به دین خود و به مذهب خود و به پیروی اهل بیت. ما امروز به جوانی احتیاج داریم که بداند سرنوشت خود او و سرنوشت جامعه‌ی او و سرنوشت خانواده‌ی بزرگ او وابسته‌ی به کار و تلاش اوست؛ اهل تلاش باشد، اهل کار باشد، اهل جدیت باشد، اهل پیگیری باشد، اهل تنبلی نباشد، اهل وادادگی و لابلالیگری نباشد. این تربیتها چه جوری انجام میگیرد؟ شما میتوانید نقش ایفاء کنید. بنابراین یک قسم منبر، شعری باشد که این معانی را تزریق کند. بهترین نحوه‌ی بیان هم بیان غیرمستقیم است.

در قالب شعر خوب - اینجا نقش شعرا معلوم میشود - معارف اهل بیت را ترویج کنید. امروز خوشبختانه ما شاعر خوب هم کم نداریم. بعضی از همین شعرهایی که امروز خوانده شد، جزو شعرهای خوب بود. امروز بحمدالله شعرای خوب، گویندگان خوش سلیقه در بیان، در ابراز حقائق و به نظم کشیدن این حقائق به وسیله‌ی شعر، داریم؛ اینها را بگردید پیدا کنید. شما که مداحید، وقتی طالب شعر باشید، چشمه‌ی شعر شاعر به جوش می‌آید. شما که طالب شدید، او شعر میگوید. وقتی شعرش به وسیله‌ی شما خوانده شد، انگیزه‌ی او برای شعر گفتن چند برابر میشود؛ یک هم‌افزایی به وجود می‌آید؛ او به شما کمک میکند، شما به او کمک میکنید.

یک قسم منبر هم مربوط به مدایح و مراثی اهل بیت (علیهم‌السلام) است. البته ما در باب مرثیه‌خوانی حرفهای زیادی داریم. بارها هم ما توی همین جلسه به شما مداحهای عزیز عرض کردیم، جاهای دیگر هم گفتیم که در مرثیه‌خوانی بایستی به صدق واقعه پایبند بود. درست است که شما میخواهید مستمع خودتان را بگریانید، اما این گریاندن را به وسیله‌ی هنرنمایی در کیفیت بیان واقعه تأمین کنید، نه در ذکر واقعه‌ای که اصل ندارد. ما در گذشته‌ها سراغ داشتیم - ان شاء الله حالا آنجور نیست - که بعضی‌ها فی‌المجلس یک چیزی را جعل میکردند؛ نکته‌ای همان جا به ذهنش می‌آمد، میدید خوب است، موقعیت خوب است، همان جا میگفت و از مردم اشک میگرفت! این درست نیست. اشک گرفتن از مردم که هدف نیست؛ هدف، آمیختن این دل اشک‌آلود - که اشک را به چشم میرساند و چشم را اشکبار میکند - به معارف زلال است؛ البته با هنرنمایی.

ما در مشهد یک منبری معروفی داشتیم - خدا او را رحمت کند - مال پنجاه سال قبل است؛ مرحوم رکن الواعظین.



او منبر میرفت و مردم پای منبر روضه‌خوانی او مثل ابر بهار گریه میکردند؛ در حالی که خودش هم بارها میگفت من اسم نیزه و خنجر نمی‌آورم. واقعاً هم نمی‌آورد؛ بنده دهها منبر از او دیده بودم. حادثه را آنچنان هنرمندانه تصویر میکرد که مجلس را منقلب میساخت؛ بدون اینکه بگوید «کشتند»، بدون اینکه بگوید «تیر زدند»، بدون اینکه بگوید «شمشیر چنین زدند» یا «خنجر چنین زدند»؛ اینها را نمیگفت. میتوان با شیوه‌های هنرمندانه، روضه‌خوانی خوب کرد و گریاند.

البته این را هم به شما عرض بکنم؛ اینکه آقایان مداحها، و سابقها روضه‌خوانها - که ما حالا کمتر توفیق پیدا میکنیم ببینیم، اما در مواردی از افاضات مداحها مستفیض میشویم - اصرار میکنند که بلند گریه کنید، لزومی ندارد؛ خوب، آرام گریه کنید. وقتی میخواهند سینه بزنند، اصرار بر اینکه «صدا، صدای این جمعیت نیست»؛ یا وقتی مردم میخواهند صلوات بفرستند، اصرار بر اینکه «صلوات، صلوات این جمعیت نیست!» شما بخواهید مردم صلوات بفرستند، ولو توی دلشان. گرم شدن مجلس به این شیوه‌ها، اصل نیست؛ کاری کنید که دل‌های مستمع را در اختیار بگیرید. دل مستمع وقتی در اختیار شما آمد، مقصود حاصل است؛ اگر آهسته هم گریه کند، باز مقصود حاصل است؛ اگر به شما توجه کرد، باز مقصود حاصل است.

بنابراین حاصل عرض امروز ما این شد که کار مداحی کار بزرگی است، کار مهمی است، حرفه‌ی بسیار اثرگذاری است؛ میتواند مصداق درشت و برجسته‌ای باشد از مجاهدت فی سبیل‌الله. اینکه میگوئید ما حاضریم در میدان حضور داشته باشیم، این برای هر کسی یک جور حضور است: یک روز انسان توی میدان جنگ ظاهری است، یک وقت انسان در میدان پیکار با دشمنانی است که در جنگهای فرهنگی و جنگهای نرم وارد مبارزه شده‌اند؛ این یک جور دیگر پیکار است؛ اقتضای خودش را دارد. در کار شما مداحان، در میدان بودن و مجاهدت کردن، یعنی ارائه‌ی سخن اثرگذار و بیان هدایتگر برای دلها؛ البته با شیوه‌های هنرمندانه. حالا شیوه‌ی هنرمندانه هم که عرض میکنیم، خوب، صدای خوش که الحمدلله همه‌تان دارید؛ آهنگهای متعارفی هم هست. البته بعضی از آهنگهایی هم که انسان گوشه و کنار میشنود یا به گوش انسان میرسد، آهنگهای مناسبی نیست؛ حالا گیرم که چهار نفر را هم جذب کند. نه، آهنگ باید سنگین، متین و متناسب با محتوایی باشد که شما دارید عرضه میکنید؛ خدای نکرده به سمت آهنگهای حرام و آهنگهایی که گناه است، سوق پیدا نکند. این هم خیلی نکته‌ی اساسی و مهمی است. هر شعری، هر تصنیفی، هر ترانه و آهنگی که خوانده شد، قابل تقلید نیست. چیزهایی هست که خودش فی نفسه حرام است؛ اگر چنانچه وارد عرصه‌ی مداحی و بیان حقیقت و بیان خدا و پیغمبر شد، آن وقت حرمتش دو برابر خواهد شد. بنابراین آهنگ هنرمندانه و خوب و متناسب و شعر خوب و صدای خوش و شاید از همه بالاتر دل پاک و مطهر و بااخلاص مداح محترم، لازم و مهم است.

امیدواریم که خداوند متعال به برکت زهرای مرضیه (سلام الله علیها) همه‌ی شماها را موفق و مؤید بدارد و این زحمات را از شما قبول کند. پروردگارا! به محمد و آل محمد برکات زهرای مرضیه را در کشور ما، جامعه‌ی ما و دل‌های ما مستدام بدار. پروردگارا! ما را در دنیا و آخرت از این خاندان جدا مکن. پروردگارا! ما را مشمول دعای حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) قرار بده. پروردگارا! ما را در دنیا و آخرت با این بزرگواران محشور بفرما. پروردگارا! شهدای عزیز ما و امام بزرگوار ما را با فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و ائمه‌ی اهل بیت محشور بفرما.
والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته